

بازرگانی داخلی

نگرشی

به سیاستهای تشویقی (سو بسید)

صادرات در ایران

مقدمه:

جیران جانی و مالی) همه را پشت سر گذاشته و امروزه شاهد بیار نشستن این دانه های رسته از خون شهدا می باشیم.

لیکن این موفقیت علی رغم شواهد عینی دیگر (از قبیل دامنگیری فتنه دشمن به خود و ایادی اش در منطقه و علی الخصوص افزایش ناگهانی و احتمالاً گذرای قیمت نفت) نباید ما را به این باور بکشاند که تمامی راهها پیموده شده و وضع موجود مطلوبترین شرایط دلخواه می باشد چرا که بازنگری به همین نمایشگاه و مقایسه کیفیت و کمیت کالاهای تولیدی سایر کشورها، ما را وادار می سازد که بدور از هرگونه شتاب زدگی و بدون توجه به دلارهای نفتی — که امروزه نصیبمان می گردد — بدنبال یک برنامه مشخص و معین در امر تجارت بین الملل

شانزدهمین نمایشگاه بین المللی تهران علم، رغم کاستی های نسبی آن بیانگر تحولی بنیادی در ساخت و عرضه کالا و خدمات در ایران بود که هر بازدید کننده (مخصوصاً ایرانی) را به وجد و شغف وادار می ساخت ولیکن هر بیننده متفکر و مسئول به این نکته ایمان داشت که تمامی این کالاهای و خدمات ثمره کار دیروز و امروز نبوده بلکه نتیجه تلاش مستمر و پی گیر مردمانی انقلابی، در دورانی سخت و بحرانی بوده است که علی رغم جنگ تحمیلی و انواع دسایس امپریالیسم جهانخوار و طبیعتی نه چندان سازگار (حتی با خاطرات تلخی چون زلزله و سیل همراه با خسارات غیر قابل

برای هر یک میلیون دلار صادرات در بعضی از کشورهای صنعتی تا ۲۵,۰۰۰ دلار کمک‌های مالی توسط دولت انجام می‌گردد و تا ۴۷ درصد صادرات زاین تحت حمایت‌های مالی دولت می‌باشد.

باشد فراراه آینده. شایان ذکر است که عدم دسترسی به اطلاعات و آمار بهنگام و قابل استناد، دوره مطالعاتی را محدود به سالهای ۱۳۵۲-۶۴ نموده و چه بسا که از آن دوران به بعد قدم‌های مثبت‌تری در این راه برداشته شده است - که از جمله آنها می‌توان به برپائی نمایشگاه ویژه صادرات اشاره نمود که اخیراً مورد توجه مسئولین امور قرار گرفته است و همزمان با برپائی این نمایشگاهها بررسی سیاستهای تشویقی و حمایتی دولت از امر صادرات در خلال آمار و ارقام و قوانین و مقررات و نتایج حاصله - حتی شده در دوره‌ای محدود - گام مهمی است که دستیابی به اهداف آتی را سهل تر خواهد ساخت.

— بررسی سیاستهای حمایتی صادرات در جهان:

بررسی سیاستهای حمایتی صادرات ایران بدون ارائه یک تصویر کلی از وضعیت جهانی و کفایت کردن تنها به یک بررسی

باشیم و با استفاده از اهرم‌های اقتصادی و سیاسی برای آینده‌ای نه چندان سهل پایه‌ریزی مناسب و محکمی را بوجود آوریم.

زمانهای نه چندان دور گذشته نمی‌بایست فراموش گردد و محدودیتهای ارزی و محاصره‌های اقتصادی را نیز باید همچنان بخاطر داشته باشیم که حتی در مواقعی برای بدست آوردن همین ارز، مجبور به صدور کالاهائی می‌شدیم که خود در داخل کشور بدان نیاز داشتیم و فراموش نکنیم که صادرات کالا و خدمات تا چه میزان در آن روزگار سخت، برای ما هدف اساسی بوده و حتی الگوی توسعه را پایه‌ریزی می‌کرده است و بیاد داشته باشیم که رشد و توسعه صادرات و تشویق آن همچنان از اولویتهای خاص برخوردار می‌باشد.

با توجه به مطالب اخیر در این مقاله که تلخیص بخشی از کتاب «بررسی انواع سوبسیدها و جنبه‌های مختلف اقتصادی آنها»^۱ می‌باشد سعی بر این شده که سیاستها و اقدامات دولت بمنظور تشویق صادرات مورد بررسی قرار گیرد تا شاید گذشته چراغی

۱- فیروز نیسی پورآذر، بررسی انواع سوبسیدها و جنبه‌های مختلف اقتصادی آنها (تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، آذر ۱۳۶۹).

صرفاً داخلی جهت تحلیل صحیح، کافی بنظر نمی‌رسد. ولیکن تحلیل و بررسی تمامی سیاستهای صادراتی جهان نیز از حوصله این مقاله خارج است، فلذا در یک نگرش اجمالی سعی بر این خواهد بود که بتوانیم تصویری نسبتاً جامع از روند این سیاستها را ارائه دهیم.

سیاست‌های تشویق صادرات یکی از انواع مهم حمایت‌های دولتی بشمار می‌آیند که در چهار طبقه کلی: کمک‌های مالی، کمکهای اطلاعاتی، تسهیلات محیطی و دخالت مستقیم قرار می‌گیرند. مبالغ و جوهری که در این راه بکار گرفته می‌شوند، در نگرش‌های اولیه دور از ذهن و حتی اغراق‌آمیز بنظر می‌رسند بطوری که «در بعضی از کشورهای صنعتی برای هر یک میلیون دلار صادرات تا ۲۵۰۰۰ دلار کمک‌های مالی توسط دولت انجام می‌گیرد (مثلاً تا ۴۷ درصد از صادرات ژاپن تحت حمایت‌های مالی دولت می‌باشد)».

البته این گونه حمایتها بازتابهای مثبتی بر اقتصاد کشور دارند؛ بطور مثال، در امریکا یک میلیارد دلار افزایش صادرات موجب افزایش دو میلیارد دلار درآمد ملی،

۴۰۰ میلیون دلار درآمدهای مالیاتی و حدود ۵ تا ۷۰ هزار شغل جدید می‌گردد^۱. نکته بسیار مهم در این زمینه عوارض جبرانی «Contervailing Duty» است به عبارت دیگر حمایت‌های داخلی کشورها از صادرات، محدود و حتی در بعضی از موارد بصورت غیرمستقیم و محرمانه اعمال می‌گردد، چرا که براساس ماده (۱۹) موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (در سال ۱۹۴۸م) کشورها مجاز هستند تا «در زمانی که رقابتهای خارجی، صنایع داخلی را بخطر می‌اندازند، تحریم‌های موقتی واردات را اعمال کنند، اما این گونه تحریم‌ها و جلوگیری‌ها حتماً نباید تبعیض‌آمیز باشند»^۲.

امروزه توافقنامه مزبور مستمکی در دست کشورهای غنی می‌باشد تا با توسل به آن انواع مشکلات را برای کشورهای در حال توسعه و فقیر بوجود آورند و به عبارت دیگر سیاستهای حمایتی جنبه نوعی نژادپرستی بین‌المللی را بخود گرفته و در یک رابطه مستقیم با سیاست‌های خارجی کشورها جهت اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی بکار گرفته می‌شود و این کشورها با تفسیر به‌رای‌های غیرمنطقی، بدنبال اعمال سیاست‌های

۱- سید محمد میرمحمدی. «نقش بیمه‌های صادراتی و اهمیت آن در توسعه صادرات» (تهران: واحد فوق برنامه سه بخش فرهنگی جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۵) ص ۳۰۴.

(2): Michael R. Czizkota. «Export Development Strategies; U.S Promotion Policy» (New York: Prager, 1982), P.10.

۳- پل هریسون «فردای جهان سوم» ترجمه محمود طلوع (تهران: شرکت صادراتی سازمان صنایع ملی ایران، ۱۳۶۶)، ص ۴۰۰.

این کسادى طولانى غرب بوده که سياست‌هاى حمايتى را به ارمغان آورده است.

صنعتى) وجوه مصروفه جهت سياست‌هاى حمايتى اين کشورها اندک و حتى قابل صرف نظر مى‌باشد. مضاف بر اينکه مازاد نيروى کار امروز در غرب دلایل عديده‌اى دارد که عمده‌ترين آن انتقال صنايع از تکنولوژى کاربر به سرمايه بر است.

مشکلات مبادله کالا بين کشورهای جهان سوم شايد که از حوصله اين مختصر خارج باشد وليکن بررسى روند مبادله مابين اين کشورها و دنياى غرب - خصوصاً در خلال ارقام و اعداد - ما را در تبیین اين معادله نابرابر بيشتريارى خواهد کرد. «سهم کشورهای در حال رشد در ميزان مصنوعات و کالاهای مصرف شده در غرب هنوز بسيار اندک است و اين نسبت از ۱/۲ درصد در سال ۱۹۵۹-۶۰ به ۲ درصد در سال ۱۹۷۳-۷۴ افزايش يافته است در مقابل رشد صادرات مصنوعات و توليدات غربى به کشورهای جهان سوم تکان دهنده و درخور تعمق مى‌باشد؛ بطورى که، مازاد موازنه پراختهاى بازار مشترک اروپا در معاملات خود با کشورهای جهان سوم، از ۱۳/۵ ميليارد دلار در سال ۱۹۷۲ به ۴۶ ميليارد دلار در سال ۱۹۷۷ افزايش يافته در حالى که طى اين فاصله زمانى مازاد موازنه ايالات متحده

توسعه طلبانه خویش مى‌باشند؛ بطور مثال، سياست‌هاى نرخ گذارى داخلى را جايزه مستقيم و حتى دامپينگ تلقى نموده و با اعمال انواع سياست‌ها (از جمله تعرفه جبرانى) موجبات محدوديت صادرات کشورهای عموماً ضعيف اقتصادى را فراهم مى‌آورند. يکى از موارد بارز اين مُدعى برقرارى بيش از ۳۰۰ درصد تعرفه گمرکى توسط ايالات متحده امریکا برای واردات پسته از ايران است که از نيمه دوم سال ۱۹۸۶ ميلادى برقرار گردیده است.^۱

در يک نگرش اجمالى به تاريخچه سياست‌هاى حمايتى در مى‌يابيم که اين کسادى طولانى غرب بوده که سياست‌هاى حمايتى را به ارمغان آورده است وليکن رسانه‌هاى گروهى استعمار هميشه سعی بر اين داشته‌اند که کشورهای در حال توسعه را مسبب اصلى بیکارى در غرب قلمداد کنند و سياست‌هاى حمايتى را به عنوان ابزارى جهت گريز از اين مهلكه توجيه نمايند. در صورتیکه تجربه و تاريخ، اين مُدعى را به اثبات رسانيده که مبادله کالا (تجارت) هميشه به ضرر جهان سوم ادامه داشته و دارد و با توجه به سهم اندک کشورهای جهان سوم در توليد جهانى (على الخصوص کالاهای

۱- موسسه مطالعات پژوهشهاى بازرگانى «بازارجهانى خشکبار، با نگاهی به موقعيت ايران» (تهران:

موسسه مطالعات و پژوهشهاى بازرگانى، ۱۳۶۵)، ص ۸۵.

امریکا از ۲/۵ میلیارد دلار به ۱۱/۵ میلیارد دلار بالغ گردیده است. ضمن اینکه در آن دوران کشورهای جهان سوم مهمترین بازار برای کالاهای غربی محسوب می شدند. در سال ۱۹۷۷ کشورهای در حال رشد غیرنفتی نسبت بزرگتری از صادرات کشورهای آمریکای شمالی (در مقایسه با کشورهای اروپای غربی) و سهم بیشتری از صادرات کل کشورهای اروپائی (به نسبت امریکای شمالی) و بخش عظیم تری از صادرات ژاپن را (به نسبت کل کشورهای اروپائی و امریکای شمالی) به خود اختصاص داده بودند. کشورهای در حال رشد در واقع سریع‌الرشدترین بازار را برای غرب با رشد آهسته‌تر پیشکش می‌کنند. در زمانی که نرخ رشد تجارت کالا در بین کشورهای صنعتی طی سالهای ۱۹۶۳-۱۹۷۳ از ۱۲ درصد در سال به ۳ درصد در سال ۱۹۷۴ سقوط می‌کند، نرخ رشد صادرات به کشورهای در حال توسعه از ۷ به ۱۲ درصد افزایش می‌یابد (ناگفته نماند که سیاستهای حمایتی ضد جهان سوم به این بازار پرکشش آسیب می‌رساند). کشورهای در حال توسعه، معمولاً تمام ارزهای عایدی خود را خرج می‌کنند و بخش عظیمی از آنها در کشورهای غربی به هدر می‌دهند. محدود کردن صادرات این کشورها به غرب به سادگی، مبالغی را که می‌توانند در زمینه واردات از غرب خرج کنند محدود می‌کند. بنابراین از این گونه سیاستهای

حمایتی هیچ چیزی عاید نمی‌شود، بلکه آنچه بدمت می‌آید ضرر بیشتر است^۱» که تنش‌ها و تعصبات سیاسی در امور بین‌الملل مسبب اصلی آن است. موارد بارز این مقوله در صادرات کشورهای جهان سوم بخصوص در مورد کالاهای استراتژیک و تک‌محصولی مشهود است. سخن کوتاه آنکه مطامع نظامی - سیاسی غرب آنچنان گسترده است که نحت عنوان منافع اقتصادی!! در عرصه جهانی به ترک تازی پرداخته است (اگر چه در ظاهر امر متضرر می‌شوند) ولیکن تمامی سوبسیدهای پرداختی به صادرات، در نهایت امر به خزانه کشور مزبور عودت داده می‌شود که از اهم ابزارهای عودت این گونه سوبسیدها، نرخ ارز و وامها و اعتباراتی است که این کشورها به دنیای فقیر اعطاء می‌کنند. نرخ‌های بهره از یکسو و نرخ برابری پول داخلی - که عموماً در یک روند نزولی و به زیان کشورهای فقیر در حرکت است - از سوی دیگر باعث می‌شود که قیمت‌ها در بلندمدت نه تنها سوبسید پرداختی را جبران کند بلکه حتی بیش از قیمت - نرخ مبادله - بازگرداند (بحث در این مورد خارج از حیطه پژوهش ماست) ولی اصولاً گروههایی که در این گونه سیاستها (حمایتی) مورد تهاجم واقع می‌شوند شامل سه گروه عمده می‌باشند: اولین گروه تمامی جمعیت، بعنوان مصرف کنندگان که از دسترسی به کالاهای ارزانتر جهانی محروم می‌شوند. دومین گروه

افراد دست اندرکار صادرات هستند که تحت پوشش انواع حمایت‌ها مبتلا به نوعی خودفریبی و خودکفایی ذهنی می‌شوند و سومین گروه نسل‌های آینده‌اند که بدلیل ماهیت استمرار سیاست‌های سوبسیدی بدهکار دنیا می‌آیند.

بررسی سیاست‌های تشویقی صادرات ایران طی سال‌های ۱۳۵۲-۶۴

بررسی سیاست‌های تشویق صادرات در ایران ناچاراً محدود به سیاست‌های اعمال شده در خلال ارقام و آمار منتشره می‌باشد که مطمئناً سوبسیدهای متعلق به صادرات می‌توانند از این مبالغ افزون‌تر باشند به این دلیل که: اولاً، همانطور که در قبل نیز اشاره شد جهت پرهیز از اعمال سیاست‌های متقابل و تعرفه‌های جبرانی، حمایت به عمل آمده از صادرات غالباً به صورت محرمانه و غیرمستقیم انجام می‌پذیرد. ثانیاً، هزینه‌های دیگری از قبیل شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی و یا دفاتر بازرگانی خارج از کشور می‌توانند به این ارقام اضافه گردند که با تکیه به تعریف مشخصی از سوبسید از ذکر موارد اخیر خودداری کرده و فقط به ارقامی که مستقیماً در خدمت صادرات می‌باشند بسنده خواهیم نمود.

ضرورت بررسی تاریخچه تحولات قوانین و مقررات تشویق صادرات قبل از تحلیل اعداد و ارقام امری است واضح که ذیلاً به اهم آنها اشاره می‌گردد.

بطور کلی در کشور ایران جزو اولین قوانینی که جهت تشویق صادرات تصویب گردید «قانون انحصار تجارت» (مصوب اسفندماه ۱۳۰۹) بود که براساس مفاد آن علاوه بر انحصاری نمودن تجارت خارجی، واردات کشور نیز منوط به صادرات شده و صادرکنندگان ملزم به فروش اسعار حاصل از صادرات به بانک گردیدند.^۱ از دیگر قوانینی که مستقیماً جهت تشویق صادرات بکار گرفته شد، قانون تشویق صادرات و تولید (مصوب بهمن ماه ۱۳۳۳) بود که براساس آن صادرات کشور از پرداخت هرگونه عوارض داخلی معاف گردیدند و براساس همین قانون شرکت‌هایی که به امر صادرات اشتغال داشتند تا مدت پنج سال از پرداخت مالیات بردرآمد معاف شدند و همچنین کلیه لوازم بسته‌بندی وارداتی و سایر ماشین‌آلاتی که بصورتی در خدمت صادرات بودند از حقوق و عوارض واردات معاف گردیدند.^۲ به موجب ماده پنجم همین قانون صادرکنندگان مکلف به تعهد ارزی مبتنی بر استرداد ارز حاصل از صادرات به بانک مرکزی بودند.

۱- موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی «مجموعه قوانین و مقررات صادرات غیرنفتی کشور»

(تهران: م. پ. ب، ۱۳۶۴)، ص ۴.

۲- همان، ص ۱۱.

در تاریخ بیستم خردادماه ۱۳۴۳ قانون «کمک به توسعه صدور بعضی از اقلام کالاهای صادراتی» به تصویب رسید که براساس مفاد آن برای صدور سنگ آهن - سنگ سرب - سنگ منگنز - کرومیت و سبزه و سالامبور و صدف حداکثر ۲۰ درصد و برای صدور سنگ روی حداکثر برابر ۱۰ درصد قیمت فوب آنها جایزه تخصیص و پرداخت می‌گردید.^۱

قانون «استرداد حقوق گمرکی مواد اولیه مصنوعات ماشینی کارخانجات داخلی» از دیگر قوانینی بود که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی (اردیبهشت ماه ۱۳۴۵) به تصویب رسید.^۲ با تصویب قانون «تشکیل مرکز توسعه صادرات ایران» (مصوب آذرماه ۱۳۴۵) پرداخت جوایز و امر توسعه صادرات به این مرکز واگذار گردید.^۳

پس از افزایش قیمت جهانی نفت در سال ۱۳۵۳ که سالانه درآمدی حدود ۲۰ میلیارد دلار را متوجه ایران نمود، صادرکنندگان ملزم به سپردن پیمان ارزی

نبودند.^۴ با اینکه براساس ماده (۵) قانون واگذاری معاملات ارزی (مصوب ۱۳۳۶) و ماده (۲۱۳) آئین نامه اجرایی قانون امور گمرکی، قیمت گذاری کالاهای صادراتی توسط کمیسیونی انجام می‌پذیرفت^۵، ولی در عمل و در کار ارزیابی صادرات، دقت زیادی اعمال نمی‌شد و به همین دلیل نیز صادرکنندگان به منظور کاهش مالیات بر درآمد از اظهار ارزش واقعی کالاها خودداری می‌نمودند، لذا پروانه گمرکی فاقد ارزشهای واقعی کالاها بود و حتی مرکز توسعه صادرات ایران نیز با توجه به سیاستهای کلی کشور عملاً کاری از پیش نبرد بطوری که رشد صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۵۵ نسبت به سال ۱۳۴۸ به میزان ۱۰۵ درصد (متوسط سالیانه ۸/۱۰ درصد) بود که این امر نسبت به حجم سرمایه گذاری و رشد قیمتها (متوسط ۶/۹ درصد در سال)^۶ در طول هفت سال قابل توجه نیست (بررسی ترکیب صادرات آگاهی ما را به این مسئله بیشتر خواهد کرد). طی سال ۱۳۵۵ در بین گروههای

۱- همان، ص ۱۶. ۲- همان، ص ۱۹. ۳- همان، ص ۳۷.

۴- موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگان «تصویر آماری بازرگانی خارجی ایران ۶۰-۱۳۵۱ شماره ۲» (تهران: م.پ.م.ب. ۱۳۶۳)، ص ۱۳۳۴.

۵- همان، ص ۱۳۳۳.

۶- صادرات غیرنفتی ایران در سال ۱۳۴۸ برابر ۱۸/۵۳ میلیارد ریال و در سال ۱۳۵۵ برابر ۳۸ میلیارد ریال بوده است.

ر.ک: مرکز توسعه صادرات ایران، «سیاست بازرگانی و تشویق صادرات ایران»، (تهران: مرکز توسعه صادرات ایران، ۱۳۵۶)، جدول ۳.

۷- ابراهیم رزاقی، «اقتصاد ایران»، (تهران: نشر نی، ۱۳۶۷)، ص ۲۴۶.

سهم کشورهای در حال رشد در میزان مصنوعات و کالاهای مصرف شده در غرب هنوز بسیار اندک است.

کالایی، رشد ارزش صادرات برای کالاهای صنعتی ۱۸ درصد و برای کالاهای کشاورزی ۹ درصد و میزان افزایش صادرات مواد معدنی و مصالح ساختمانی ۶ درصد بوده در حالی که ارزش صادرات فرش پشمی ۴ درصد کاهش یافته است. ضمن اینکه بین کالاهای صنعتی بیسکویت و شکلات و تافی با ۱۵۳ درصد رشد در سال ۱۳۵۵ نسبت به سال ۱۳۵۴ بیشترین افزایش را داشته‌اند... اشیای ذکر است که صادرات بیسکویت و شکلات تافی خود تابعی از نرخ پائین شکر و گندم بوده که مبالغ هنگفتی بابت سوبسید و کاهش قیمت آنها پرداخت می‌گردیده است.

قبل از آنکه سیاست‌های تشویق صادرات پس از پیروزی انقلاب اسلامی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد می‌توان ادعا نمود که در مرحله عمل، امر صادرات در ایران علی‌رغم ضرورت اقتصادی و شرایط مناسب برای رشد آن چنانکه باید و شاید مورد توجه قرار نگرفته است. جهت اثبات این مدعا که در جدول (۱) بصورت اعداد و

ارقام به‌نمایش گذارده شده مقدماً می‌بایست نکاتی را خاطر نشان ساخت. ستون اول جدول مزبور تحت عنوان «باز پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی» شامل وجوهات مسترد شده به صادرکنندگان می‌باشد و همانطوری که قبلاً نیز اشاره شد این قانون در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۴۵ بتصویب رسید. و بموجب ماده (۱) قانون تشکیل مرکز توسعه صادرات ایران «گمرک ایران» مکلف است در صورتی که کالاهای ساخته شده در کارخانه‌های داخلی به‌خارج از کشور صادر شود حقوق گمرکی و سود بازرگانی مواد و قطعاتی را که در ساخت کالا یا بسته‌بندی آن مصرف شده است را (به‌مأخذ حقوق گمرکی و سود بازرگانی تاریخ صدور کالا از محل درآمد گمرک) به‌صادرکننده پرداخت نماید. بعلت اشکالاتی که هنگام تصویب آن قابل پیش بینی نبوده عملاً نتوانسته است تأثیر قاطعی بر افزایش صادرات کالاهای صنعتی بگذارد.^۲ ستون دوم جدول تحت عنوان «باز پرداخت حق ثبت سفارش کالا»

۱- مرکز توسعه صادرات ایران، «خطوط کلی تدابیر صادراتی بلندمدت» (تهران: مرکز توسعه صادرات ایران، بی تا)، ص ۲.

۲- دانشگاه علامه طباطبائی (گردآورنده) «اولین سمینار ضرورت صادرات غیرنفتی و راههای توسعه آن»، (تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۶۵)، ص ۴.

می‌باشد. بموجب تبصره (۱۶) قانون متمم بودجه سال ۱۳۴۶، واردکنندگان کالا از خارج ملزم بودند که درصد معینی از ارزش کالای وارداتی خود را هنگام ثبت سفارش به خزانه‌داری کل بپردازند. در سال ۱۳۵۰ بنا به پیشنهاد مرکز توسعه صادرات ایران، دولت براساس مفاد تبصره (۱۵) بودجه سال مذکور وجوهی را که بعنوان حق ثبت سفارش کالا از مواد اولیه یا قطعات مزبور دریافت می‌نمود، در صورت صدور بخارج از کشور مسترد می‌داشت. در سال ۱۳۵۳ بعلت افزایش درآمدهای ارزی کشور از محل صادرات نفت برخی از محدودیتهای وارداتی لغو گردید و براساس ماده واحده (مصوب خرداد ۱۳۵۳) مجلس شورای ملی حق ثبت سفارش کالا را از ۵/۵ درصد به ۱ درصد کاهش و ۵۵ درصد از این وجوهات را به خدمات درمانی و بهداشتی اختصاص داد. با توجه به ناچیز بودن مبلغ حق ثبت سفارش (مخصوصاً پس از کاهش اخیر) و مشکلات اجرایی مربوط به محاسبه آن، صادرکنندگان تمایلی به دریافت آن از خود نشان ندادند^۱. و براساس اظهارات مرکز توسعه صادرات پس از پیروزی انقلاب اسلامی، واحدی که به امر باز پرداخت حق ثبت سفارش اشتغال داشته عملاً کاری

انجام نداده و برچیده شده است. ستون سوم جدول مربوط به جوایز صادراتی پرداختی است و وجه قانونی آن نیز «قانون کمک به صدور بعضی از کالاهای صادراتی» می‌باشد که قبلاً بدان اشاره شد. ارائه ارقام مربوط به سال ۱۳۵۷ به دلیل وقوع انقلاب اسلامی و تشدید اعتصابات و عدم آمارگیری و تهیه گزارش توسط مرکز توسعه صادرات میسر نگردید و بنا به اظهار کارشناسان این مرکز در سالهای ۵۸ و ۵۹ و ۱۳۶۰ جوایزی بدین منظور پرداخت نگردیده و تنها پرداختهای مربوط به سال ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۶۴ در جدول درج شده است که روند فراز و نشیب این پرداختها بعداً مورد بررسی قرار خواهد گرفت (لازم به ذکر است که ارقام مربوط به سال ۶۰ در سال ۱۳۶۱ پرداخت گردیده است).

ستون چهارم جدول میزان اعتبارات است که یکی از عوامل تشویق صادرات ایران بشمار می‌آید که تحت این عنوان وام و اعتبار با نرخ‌های ترجیحی (نازل) در اختیار صادرکنندگان قرار می‌گرفت و میزان آن مستقیماً با نوع کالا تغییر می‌نمود؛ به عنوان مثال، میزان اعتبار برای صادرات کالاهای صنعتی و سرمایه‌ای تا حدود ۹۰ درصد نیز می‌رسید. سقف این اعتبارات تا اواخر سال

۱۳۵۶ بالغ بر ۵ میلیارد ریال می‌گردید.^۱ از آنجا که وجوهات مصروفه در امر صادرات در مدت‌های کوتاه قابل برگشت بود صادرکنندگان با توجه به نرخ پائین بهره این وام تا زمان سررسید (مثلاً برای پنبه ۶ ماه) آن را در سایر بخشها بکار می‌گرفتند که با تفاوت نرخ بهره بازار آزاد (که گاهی به بیش از دو برابر نیز می‌رسید) از این محل سودی عاید خود می‌نمودند، بطوری که طی سالهای ۱۳۵۲ لغایت ۱۳۵۷ نرخ بهره و کارمزد این گونه اعتبارات حدود ۴ درصد بود، در حالیکه نرخ بهره اعتبارات بازرگانی داخلی به حدود ۹ درصد می‌رسید.^۲ در سالهای ۱۳۵۸ لغایت ۱۳۶۲ نرخ بهره تسهیلات اعتباری ۴ درصد و حداقل سود تضمینی برای خدمات حدود ۸ درصد گردید.^۳ و بلاخره در سالهای ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ متوسط نرخ سود مورد انتظار در شکل عقود اسلامی ۸ درصد بود در حالیکه برای بخشهای واردات و بازرگانی این رقم ۱۲ درصد در نظر گرفته شد.^۴ مضاف بر اینکه از ابتدای سال ۱۳۶۳ حداکثر سهم شرکتها بانکها در سرمایه زمینه

صادرات ۸۰ درصد تعیین شده که تحت پوشش عقود اسلامی، سقف این اعتبارات برای اشخاص حقیقی ۵۰ میلیون ریال، برای شرکت‌های سهامی عام و تعاونیها ۵۰۰ میلیون ریال و برای سایر اشخاص حقوقی ۲۰۰ میلیون ریال در نظر گرفته شده است.^۵

شایان ذکر است که همزمان با اتخاذ تصمیمات اخیر این تصمیم گرفته شد که رشد اعتبارات اعطائی به بخش بازرگانی (اعم از داخلی و خارجی) تثبیت شده و در مقابل، اعتبارات به سایر بخشها از جمله: صنعت و کشاورزی افزوده گردد.^۶

ستون پنجم جدول نمایانگر سود حاصل از اعتبارات تخصیص یافته به امر صادرات است - که از نرخ بهره‌های نازل سود جسته است - می‌باشد. اما در صورت کلی می‌بایست در نظر داشت که اعمال نرخهای ترجیحی در روند اعطای تسهیلات در امر صادرات از آنجا که این گونه تسهیلات از محل منابع متعلق به سپرده‌گذاران صورت می‌پذیرد در واقع موجب کاهش آن درآمدهائی است که به سپرده‌گذاران متعلق

۱- همان، ص ۲۰۶.

۲- مرکز توسعه صادرات ایران، «خطوط کلی تدابیر صادراتی بلندمدت»، پیشین، ص ۱۲.

۳- بانک مرکزی ایران، گزارش اقتصادی و ترانزنامه سال ۱۳۵۸ (تهران: ب.م.ا. بهمن ۱۳۶۰)،

ص ۹۳.

۴- بانک مرکزی ایران، گزارش اقتصادی و ترانزنامه سال ۱۳۶۳، (تهران: ب.م.ا. اسفند ۱۳۶۴)،

ص ۱۱۶-۱۱۹.

۵- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسیهای اقتصادی، اظهارنظر کارشناسان.

۶- همان.

جدول (۱): برآورد میزان کمکهای دولت به صادرات کشور و مقایسه آن با ارزش صادرات غیرنفتی در سالهای ۱۳۵۲-۶۴.

سالها	موضوع واحد	بازیرداختن حقوق گمرکی و صادراتی		استرداد حق و خسارت (۱)		جوا یبز صادرات (۱)		میزان اعتبارات (۲)		ماهه التفاوت بهسره (۳)		جمع کل کمکهای دولت (۴)		ارزش صادرات (۵)		نسبت کمکها به کل صادرات	
		ریال	میلیون	ریال	میلیون	ریال	میلیون	ریال	میلیون	ریال	میلیون	ریال	میلیون	ریال	میلیون	درصد	
۱۳۵۲		۸۰۳	۴۲	۱۳۲	۲۳۲۰۰	۱۱۶۰	۲۱۴۷	۴۳۸۴۱	۵								
۱۳۵۳		۶۶۱	۴۷	۸	۲۲۳۰۰	۱۱۱۵	۱۸۳۱	۳۹۲۴۸	۴/۷								
۱۳۵۴		۳۹۹	۲۱	۲۰	۳۸۰۰۰	۱۹۰۰	۲۳۴۰	۴۰۰۳۳	۵/۸								
۱۳۵۵		۴۸۹	۱۴	۵۱ (۲)	۲۲۳۰۰	۱۱۱۵	۱۶۶۹	۳۸۵۰۱	۴/۴								
۱۳۵۶		۷۴۸/۷	۱۹/۶	۲۲/۷	۳۶۲۲۵	۱۸۱۱/۳	۲۶۰۲/۳	۲۴۰۵۳	۵/۹								
۱۳۵۷		۶۰۲/۲*	۵۰۰	۰	۴۱۹۹۰	۲۰۹۹/۵	۲۷۰۱/۷	۳۸۱۸۶	۷/۱								
۱۳۵۸		۳۳۵/۶	-	۰	۲۹۴۹۹	۱۱۸۰	۱۵۱۵/۶	۵۷۱۰۹	۲/۷								
۱۳۵۹		۱۲۵/۷	-	۰	۲۸۹۹۶	۱۱۶۰	۱۲۸۵/۷	۲۵۹۵۰	۲/۸								
۱۳۶۰		۱۰۶/۲	-	۰	۲۰۱۸۸	۸۰۷/۵	۹۱۳/۷	۲۷۰۲۹	۳/۴								
۱۳۶۱		۲۷/۴	-	۳۵۱/۲	۱۱۰۵۰	۴۴۲	۱۴۰/۶	۲۳۸۸۲	۴/۵								
۱۳۶۲		۹۰/۷	-	۴۱۷/۵	۱۰۷۵۷	۴۳۰/۳	۹۳۸/۵	۳۱۰۱۸	۳/۰								
۱۳۶۳		۵۱/۳	-	۳۷۶	۱۰۰۹۷	۴۰۳/۹	۸۳۱/۲	۳۳۰۴۱	۲/۵								
۱۳۶۴		۴۹/۱	-	۶۰/۳	۳۸۲۹	۱۵۳/۲	۲۶۲/۶	۴۱۱۷۹	۰/۶								
رشد متوسط دوره		-۲۰/۸	xx	-۶/۳	-۱۳/۹	-۱۵/۵	-۱۶/۰	-۰/۳	-۱۶/۲								

(۵) رقم تخمینی یا غیرقطعی است

روش محاسبه: از همبستگی مابین باز پرداخت گمرکی و میزان صادرات با ضریب همبستگی $0.917 = 0.4 + 0.446 \times 6/0.34 = \gamma$ محاسبه گردیده است.

(۰۰۰) رقم در دسترس نیست.

(-) آمار وجود ندارد.

(xx) رقم قابل جمع یا محاسبه نیست.

(م.ب) برآورد مؤلف.



صادرات در ایران آنچنان که باید و شاید مورد توجه قرار نگرفته است.

بوده و نه به دولت. فلذا در نقش سوبسید بودن این گونه تسهیلات می‌توان شک نمود ولی چون در این بررسی هدف ارائه یک شمای کلی از همه ابزارهای تشویقی و نقش دخالت‌های دولت است، این ارقام نیز جزو حمایت‌های دولت بشمار آمده‌اند. اگر چه انتقاد اخیر باز پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی و همچنین استرداد حق ثبت

منابع و مأخذ: ▽

- ۱- آمار مربوط به سالهای ۱۳۵۲-۱۳۵۵: مرکز توسعه صادرات ایران، «خطوط کلی تدابیر صادراتی بلندمدت»، (تهران: مرکز توسعه صادرات ایران، بی‌تا)، ص ۱۲.
- ۱- آمار مربوط به سال ۱۳۵۶: مرکز توسعه صادرات ایران، بودجه پیشنهادی ۱۳۵۷، (تهران: مرکز توسعه صادرات ایران، اسفند ۱۳۵۶)، ص ۲.
- ۱- آمار مربوط به سال ۱۳۵۸-۱۳۶۴: مرکز توسعه صادرات ایران، آمار دستی.
- ۲- آمار مربوط به سالهای ۱۳۵۲-۱۳۵۵: بانک مرکزی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۵۵، (تهران: ب.م.ا. خرداد ۱۳۵۶)، ص ۱۶۱.
- ۲- آمار مربوط به سالهای ۱۳۵۶-۱۳۶۴: بانک مرکزی ایران اداره بررسیهای اقتصادی، آمار دستی.
- ۳- مابه‌التفاوت بهره براساس نرخ بهره اعتبار صادراتی با اعتبار بخش بازرگانی داخلی محاسبه شده است. به عبارت دیگر میزان اعتبار ضربدر مابه‌التفاوت بهره، که نرخ بهره به‌روش زیر محاسبه شده است. برای سالهای ۱۳۵۲-۱۳۵۷ نرخ بهره ۵ درصد [تفاوت نرخ بهره بازرگانی (۹ درصد) و وام اعطایی به صادرات (۴ درصد)] ر.ک: مرکز توسعه صادرات ایران، خطوط کلی تدابیر صادراتی بلندمدت، پیشین، ص ۱۲.
- برای سالهای ۱۳۵۸-۱۳۶۲. متوسط نرخ بهره ۴ درصد به‌سال (مابه‌التفاوت نرخ کارمزد تسهیلاتی اعتبار صادراتی ۴ درصد و حداقل سود تضمینی خدمات ۸ درصد) ر.ک: بانک مرکزی ایران: گزارش اقتصادی و ترازنامه سال ۱۳۵۸، تهران: ب.م.ا. بهمن ۱۳۶۰، ص ۹۳.
- برای سالهای ۱۳۶۳ و ۱۳۶۴ متوسط نرخ بهره ۴ درصد در سال [مابه‌التفاوت حداقل نرخ سود مورد انتظار در مضاربه‌بخشهای واردات و بازرگانی (۱۲ درصد) در سال و برای بخش صادرات (۸ درصد) در سال]. ر.ک: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: گزارش اقتصادی و تراز سال ۱۳۶۳، (تهران: ب.م.ج.ا. آخر اسفند ۱۳۶۴). ص ص ۱۱۶-۱۱۹.
- ۴- جمع کل کمک‌های دولت حاصل جمع ستون‌های اول و دوم و سوم و ستون پنجم می‌باشد.
- ۵- همان، مأخذ جدول (۲)

بالاترین میزان حمایت دولت از صادرات تنها ۵/۹ درصد از ارزش کل صادرات را

تشکیل داده است.

انقلاب اسلامی در یک روند نزولی سریع به حدود ۵۰ میلیون ریال در سال ۱۳۶۴ سقوط کرده است و در مجموع با ۲۰/۸ درصد کاهش در سال در کل دوره مواجهه بوده است.

استرداد حق ثبت سفارش کالا نیز در یک روند نزولی تا سال ۱۳۵۶ ادامه داشت و همانطور که قبلاً نیز اشاره شد پس از پیروزی انقلاب اسلامی کلاً ملغی شد.

جوایز صادراتی نیز در یک روند پراز فراز و نشیب قرار گرفته بطوری که از ابتدای دوره (۱۳۵۲) تا سال ۱۳۵۶ در یک سیر نزولی بوده و پس از چند سال تعطیل، مجدداً در سال ۱۳۶۱ برقرار شده است. بالاترین جوایز پرداختی در سال ۱۳۶۲ با ۴۱۷/۵ میلیون ریال بوده که مجدداً در روند کاهشی خود به مبلغ ۶۰ میلیون ریال در سال ۱۳۶۴ محدود گردیده است که علل این فراز و نشیب را فقط در محدوده سیاست‌های نامنظم و نامشخص دولت می‌بایست جستجو کرد که نتیجه نهایی آن ۶/۳ درصد کاهش سالانه در میزان جوایز صادراتی در کل دوره مورد مطالعه (۱۳۵۲-۶۴) می‌باشد.

اعتبارات تخصیص یافته به امر صادرات از سال ۱۳۵۲ تا سال ۱۳۵۶ (حتی ۱۳۵۷) یک سیر صعودی داشته ولیکن از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۶۰ در یک روند

سفارش کالا را نیز در بر می‌گیرد زیرا در ماهیت امر این گونه عوارض توسط تولیدکننده (صادرکننده) پرداخت شده و استرداد آن علی‌الظاهر نمی‌تواند سوبسید قلمداد شود ولی در هر صورت بیانگر نوعی حمایت دولت از قشر صادرکننده محسوب می‌شود که در تحلیل ما مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در یک نگرش کلی به جدول مذکور و با توجه رشد منفی متوسط تمامی ارقام و حتی ارزش صادرات می‌توان بدین نتیجه رسید که امر صادرات در ایران آنچنان که باید و شاید مورد توجه قرار نگرفته است ولیکن برای تحلیل مستدل‌تر بهتر است که کمکهای دولت در راستای صادرات را طی دو دوره مجزا و منفک از هم مورد بررسی قرار دهیم به عبارت دیگر دو دوره ۱۳۵۲-۱۳۵۶ و ۱۳۵۸-۱۳۶۴ جدای از هم مورد بررسی قرار می‌گیرند که تفاوت این دو دوره حداقل در مقوله تفاوت آشکار اهداف غیرقابل انکار می‌باشد.

باز پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی یکی از ارقام عمده کمکهای دولتی طی سالهای ۱۳۵۲-۱۳۵۶ می‌باشد و علی‌رغم کاهش چشمگیر آن در سال ۱۳۵۴، از مبلغ ۸۰۳ میلیون ریال در سال ۱۳۵۲ تا مبلغ ۷۴۹ میلیون ریال در سال ۱۳۵۶ در نوسان بوده ولیکن پس از پیروزی

کاهشی گام برداشته و در سال ۱۳۶۱ میزان آن نسبت به سال قبل تا حدود نصف رسیده و در یک سیر کاهشی مرتباً از میزان آن کاسته شد بطوری که در سال ۱۳۶۶ به حداقل میزان خود در طول دوره مورد مطالعه (یعنی ۳۸۲۹ میلیون ریال) محدود گردیده است که در کل با رشد منفی ۱۳/۹ درصد در سال مواجه بوده و مابه‌التفاوت بهره مربوط به این اعتبارات نیز در یک همبستگی تقریباً مستقیم، همان سیر نزولی را با رشد منفی بیشتری (۱۵/۵ درصد در سال) پیموده است. که علت افزایش رشد منفی مابه‌التفاوت بهره نسبت به میزان اعتبارات ناشی از افزایش نرخ بهره اعتبارات تخصیص یافته به صادرات در دوره‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است.

چنانچه تمامی کمکهای اعطائی به امر صادرات را یک کاسه کنیم (ستون ششم) با کم و بیش تفاوت به همان نتایج قبل خواهیم رسید. به عبارت دیگر سیر صعودی تا سال ۱۳۵۶ و سیر نزولی از سال ۱۳۵۸ تا به سال ۱۳۶۴ که نهایتاً یک رشد منفی ۱۶ درصد سالانه را در کل دوره مورد مطالعه به نمایش می‌گذارد نمودار (۱). اگر چنانچه این مبالغ به قیمت ثابت محاسبه شود، جمع کل کمکهای دولت به امر صادرات کمتر از این و حتی ناچیز جلوه خواهد نمود. همانطور که در ستون ماقبل آخر جدول (۱) مشاهده می‌شود ارزش صادرات نیز هر سال در کل

دوره مورد مطالعه ۰/۳ درصد بطور متوسط کاهش یافته که نمی‌توان این نظریه را پذیرفت که این کاهش تنها به علت عدم ارائه کمکهای دولتی بوده است بلکه مسائل دیگری از قبیل: افزایش مصرف داخلی و غیره در این مسئله دخیل می‌باشند ولیکن نمی‌توان منکر تأثیر بسزای کمکهای دولت در امر توسعه صادرات شد و رقم ناچیز نسبت کمکهای دولت به کل صادرات (ستون آخر) بیش از پیش ما را به این باور می‌رساند که مقوله توسعه و رشد صادرات در کل دوره مورد مطالعه آنچنان که باید و شاید جدی تلقی نشده و بالاترین میزان حمایت (در سال ۱۳۵۶) تنها ۵/۹ درصد ارزش کل صادرات را تشکیل داده است، و حتی این رقم اندک (در مقایسه با ارقام جهانی) نیز ثابت نمانده و به یک رقم بسیار اندک ۰/۶ درصد رسیده است که با توجه به این میزان کمک به صادرات غیرنفتی کل کشور، امیدوار بودن به رشد خلق الساعه صادرات اندکی دور از ذهن و خوش باورانه است. جهت تحلیل مستدل‌تر، صادرات ایران را از لحاظ وزن و ارزش جاری و ثابت و قیمت واحد مورد بررسی قرار می‌دهیم چرا که بازتاب کمکهای دولتی را به نوعی می‌توان در این موارد نیز مشاهده نمود. بطوری که در جدول (۲) درج گردیده وزن صادرات ایران با رشد متوسط سالیانه ۱۰ درصد کاهش یافته و ارزش آن به قیمت جاری نیز با

* - از آنجا که رقم سال ۱۳۵۷ تخمینی می‌باشد از مقایسه آن خودداری بعمل آمده است.

۰/۳ درصد در سال سیر نزولی داشته است ولیکن ارزش واحد صادرات، افزایش داشته که این امر می‌تواند ناشی از تورم باشد. بطوری که در ستون بعدی ملاحظه می‌شود رشد متوسط شاخص بهای عمده‌فروشی (۱۳/۸۷ درصد) بیش از رشد متوسط سالیانه ارزش واحد صادرات (۱۰/۹ درصد) است ولی مطالعه این روند به قیمت ثابت (ستون آخر) بیانگر کاستی بیشتر (۱۲/۵ درصد در سال) می‌باشد. پس از تجزیه و تحلیل اعداد و ارقام مربوط به سوسیدهای صادرات و اشراف بر عدم موفقیت در امر توسعه صادرات در طول دوره مورد مطالعه یک نتیجه‌گیری منطقی مستلزم بررسی سیاست‌ها و قوانین و مقررات تصویبی (اعم از اجرا شده و نشده) پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌باشد که لزوماً آثار و عواقب این گونه تصمیمات نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی سیاست گام به گام دولت موقت موجب گردید که ایادی داخلی استکبار جهانی به فعالیت‌های فرصت طلبانه خود همچنان ادامه دهند. بطور مثال در این دوران مقادیر معتابیهی از کالاهای پرارزش از مملکت خارج و به احتمال قریب به یقین ارز حاصل از آنها نیز هرگز به مملکت عودت داده نشد.

«بطوری که در سال ۱۳۵۸ که احتمال سیاست‌های تحدید ارزی متصور بود نسبت ارزش صادرات نسبت به سال ۱۳۵۶ حدود ۳۰ درصد افزایش یافت ولی حجم آن حدود نصف گردید (جدول ۲) که دلیل بارز این امر، خروج فرش‌های نفیس با میزان ۵۰/۴ درصد از کسل ارزش صادرات غیرنفتی، بود»^۱.

از اواخر سال ۱۳۵۸ دولت وقت بطور جدی‌تری مسئله توسعه صادرات را دنبال کرد و اولین لایحه قانونی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در ارتباط با سیاست‌های تشویقی به تصویب رسید، لایحه قانونی راجع به معافیت کالاهای وارداتی موردنیاز واحدهای تولیدی صنعتی مجاز - که منحصرأ در خط تولید بکار برده می‌شوند - بود که از پرداخت تمام یا قسمتی از حقوق گمرکی و سود بازرگانی در سال ۱۳۵۹ معاف گردیدند^۲. (ماده واحده آن در تاریخ ۵۸/۱۲/۲۸ توسط شورای انقلاب به تصویب رسید) به عبارت دیگر سیاست‌های تشویقی پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا حدودی مورد بی‌مهری قرار گرفتند و پاره‌ای از موارد نیز به سبب مغایرت‌های قانونی دگرگون شدند که از آن جمله می‌توان به افزایش نرخ سود مورد انتظار تسهیلات اعتباری واردات و صادرات از ۴ درصد به ۸ درصد اشاره نمود. از

۱- سیدمحمد میرمحمدی، پیشین، ص ۲۳۵۳.

۲- نخست‌وزیری «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مجموعه لوایح قانونی مصوب شورای انقلاب (تهران: اداره کل تنقیح و تدوین قوانین، ۱۳۵۹)، ص ۵۰۷.

(جدول ۲) و شاخص ارزش آن (۱۰۰=۱۳۵۳) که در سال ۱۳۶۱ تا رقم ۶۱ سقوط کرده بود در سال ۱۳۶۲ به ۷۹ و در سال ۱۳۶۴ تا رقم ۱۰۵ افزایش یافت. اگر چه عوامل دیگری نیز در این افزایش سهم بوده‌اند.

از دیگر موارد تشویق صادرات بخشودگی مالیاتی (مصوب سال ۱۳۴۵) بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۲ با پاره‌ای اصلاحات به تصویب رسید.^۳

اعطای جایزه تشویق ریالی به صادرکنندگان، از دیگر روش‌های تشویق صادرات غیرنفتی است که در مواقع لزوم مورد توجه دولت‌ها قرار می‌گرفته و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز از آن بعنوان ابزاری جهت توسعه صادرات استفاده شده است. براساس بند «ذ» از فصل دوم اساسنامه مرکز توسعه صادرات (مصوب ۱۳۵۹/۱۰/۲۴ شورای انقلاب) پرداخت جایزه تشویق ریالی به صادرکنندگان یکی از وظایف این مرکز به‌شمار آمده و مقرر گردیده است که میزان و نحوه استفاده از جایزه صدور همه‌ساله با تصویب

طرف دیگر تا قبل از سال ۱۳۵۸ بین نرخ رسمی ارزشها و نرخ غیررسمی آنها نسبت به «ریال» اختلاف چندانی وجود نداشت و این مابه‌التفاوت در بالاترین سطح خود از ۱ تا ۲ ریال در هر دلار تجاوز نمی‌کرد.^۱ ولی سقوط ارزش ریال و سیاست‌های تحدیدی دولت و عدم مراقبت لازم از مرزها موجب تشدید قاچاق و صدور غیرمجاز کالا از طریق مرزها گردید. از طرف دیگر مقررات مربوط به ماده (۵) قانون واگذاری معاملات ارزی (مصوب ۲۳ بهمن ۱۳۳۳) که عملاً رعایت نمی‌گردید مجدداً به اجرا درآمد که در این امر نیز اشکال عمده‌ای ظاهر شد؛ بدین ترتیب که مبنای نرخ گذاری پیمان‌نامه ارزی، قیمت عمده‌فروشی بازار داخلی قرار گرفت که به دلیل تورم داخلی ارزش ریالی کالاها در سطح بین‌المللی قابل رقابت نبودند بدین لحاظ طبق تصویب شورای عالی اقتصاد (در جلسه ۶۱/۶/۲۳) مقرر گردید که مبنای پیمان‌نامه‌های ارزی براساس متوسط قیمت‌های بین‌المللی کالاها صادراتی تعیین و پیمان‌نامه ارزی اخذ گردد.^۲ که اثرات مثبت این مصوبه در میزان ارزش صادرات در ایران به خوبی نمایان گردید

۱- سیدمحمد میرمحمدی، پیشین، ص ۲۵۴.

۲- همان، ص ۳۰۱.

۳- همان، ص ۲۵۳.

جدول (۲): وزن و ارزش کل واحده صادرات غیرنفتی و شاخص های مربوط به صادرات به قیمت ثابت و جاری طی سالهای ۱۳۵۲-۶۴.

موضوع واحد سالها	صادرات (۱) هزارتن	صادرات غیرنفتی		ارزش واحد صادرات	شاخص بهای عمده فروشی (۲) درصد	ارزش کل صادرات غیرنفتی میلیون ریال
		ارزش	شاخص			
		میلیون ریال	درصد			
۱۳۵۲	۱۸۸۵	۴۲۸۴۱	۱۰۹	۲۲/۷	۸۵/۵	۵۰۱۰۶
۱۳۵۳	۱۵۳۱	۳۹۲۲۸	۱۰۰	۲۵/۶	۱۰۰	۳۹۲۲۸
۱۳۵۴	۱۱۸۹	۴۰۷۳۳	۱۰۴	۳۴/۳	۱۰۵/۳	۳۸۶۸۲/۸
۱۳۵۵	۷۹۳	۳۸۰۰۱	۹۷	۴۷/۹	۱۱۹/۵	۳۱۸۰۰
۱۳۵۶	۱۱۳۸	۴۴۰۵۲	۱۱۲	۳۸/۷	۱۳۶/۹	۳۳۱۷۸
۱۳۵۷	۱۳۴۶	۳۸۱۸۶	۹۷	۲۸/۶	۱۴۹/۹	۲۵۲۷۴
۱۳۵۸	۵۷۹	۵۷۱۰۹	۱۲۶	۹۸/۶	۱۷۹/۶	۳۱۷۹۷/۹
۱۳۵۹	۱۲۹	۴۵۹۵۰	۱۱۷	۳۵۶/۲	۲۳۴/۳	۱۹۶۱۱/۶
۱۳۶۰	۱۵۴	۲۷۰۲۹	۶۹	۱۷۵/۵	۲۷۹/۷	۹۶۶۳/۶
۱۳۶۱	۱۶۲	۳۳۸۸۲	۶۱	۱۴۷/۴	۳۱۸/۱	۷۵۰۷/۷
۱۳۶۲	۳۳۱*	۳۱۰۱۸	۷۹	۱۳۴/۳	۳۵۸/۰	۸۶۶۴/۳
۱۳۶۳	۲۶۹*	۳۳۰۴۱	۸۴	۱۲۲/۸	۳۸۵/۲	۸۵۷۷/۶
۱۳۶۴	۵۲۶*	۴۱۱۷۹	۱۰۵	۷۸/۳	۴۰۶/۲	۱۰۱۳۷/۶
رشد متوسط سالانه م.ب	-۱۰/۰۹	-۰/۳۱	-۰/۳۱	۱۰/۸۷	۱۳/۸۷	-۱۲/۵

ب.م) برآورد مؤلف.

۱- موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تصویر آمار بازرگانی خارجی ۶۰-۱۳۵۱، شماره ۲،

(تهران: م.م.پ.ب. ۱۳۶۳) ص ۱۳۲۹.

۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه سالهای مختلف (تهران: ب.م.

ج.ا.ا. سالهای مختلف).

۳- وزارت برنامه و بودجه «گزارش اقتصادی سال ۱۳۶۵»، (تهران: وزارت برنامه و بودجه، ۱۳۶۵)،

جلد دوم. ص ۱۱ و ۱۲۰.

در تاریخ ۱۳۶۰/۹/۳۰ اعتباری پس از ماهها بحث و مذاکره و استدلال به صادرات کالای غیرنفتی اختصاصی یافت که بعلت وجود مشکلات اجرایی در سال ۱۳۶۱ عیناً به خزانه کل عودت داده شد.

هیئت وزیران تعیین گردد.^۱

در تاریخ ۱۳۶۰/۹/۳۰ اعتباری - پس از ماهها بحث و مذاکره و استدلال - از محل هزینه های خاص دستگاههای اجرایی به صادرات کالاهای غیرنفتی اختصاص یافت که بعلت وجود مشکلات اجرایی در سال ۱۳۶۱ عیناً به خزانه کل عودت داده شد.^۲

سپس بموجب تصویب نامه آبان ماه سال ۱۳۶۱ هیئت وزیران، مبلغ ۵۰۰ میلیون ریال بمنظور پرداخت جایزه صدور کالا در اختیار مرکز مذکور قرار گرفت و مقرر شد که کمیسیون متشکل از نمایندگان وزارتخانه های بازرگانی، کشاورزی و عمران روستایی، صنایع، برنامه و بودجه، اقتصاد و دارائی، و بانک مرکزی با توجه به نوسانات بین المللی قیمت کالاها، هزینه تولید و سایر عوامل، درصد جایزه صدور برای هر کالا را تعیین و بمرکز توسعه صادرات

ابلاغ نمایند. در تصویب نامه قید شده بود که نرخ جایزه صدور بطور متوسط حدود ۹ درصد مبلغ ریالی پیمان ارزی باشد و کمیسیون براساس واریزنامه های صادر شده توسط بانکهای مجاز نرخهای ریالی را تعیین کند. لازم به ذکر است که اولین و مهمترین کالائی که عمده تاً از اعتبار مذکور استفاده نمود فرش دستباف بود که براساس تصمیم مورخ ۶۳/۸/۱۰ کمیسیون تخصیص جوائز صادراتی، نرخ جایزه ریالی صدور کالا برای صادرکنندگان فرش در نظر گرفته شد و صادرکنندگانی که قبل از صدور کالا و یا در مدت هفت ماه پیمان خود را واریز می کردند مشمول دریافت درصدهای تشویق ریالی می گشتند. و به پیمان سپارانی که در مدت چهارده ماه پیمان خود را واریز می کردند ۹ درصد تشویق ریالی تعلق می گرفت.^۳ به منظور تامین اعتبار جوایزی که در سالهای ۱۳۶۲ و ۱۳۶۳ برقرار شده بود در تیرماه

۱- مرکز توسعه صادرات ایران، «نقش مرکز توسعه صادرات ایران در افزایش صادرات» (تهران: مرکز توسعه صادرات ایران، ۱۳۶۳)، ص ۶.

۲- دانشگاه علامه طباطبائی، سمینار ضرورت صادرات غیرنفتی و راههای توسعه آن، پیشین، جلد اول، ص ۱۷.

۳- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سیاستهای تشویق صادرات غیرنفتی بعد از انقلاب، (تهران: ب.م.ج.ا.ا، ۱۳۶۵)، ص ۱۲.

تنوع صادرات نه تنها از بعد اقتصادی بلکه به عنوان یک راه حل سیاسی می‌بایست مدنظر قرار گیرد.

ارز به بخش خدمات توسط بانک مرکزی تامین می‌گردید ولی براساس مواد ۲۲ و ۲۷ قانون مقررات واردات و صادرات سال ۱۳۶۴، علاوه بر محلّ اخیر از محل واردات کالاهائی که فروش ارز آنها به نرخ ترجیحی تصویب و اعلام می‌گردد نیز تامین می‌شود.^۴ از دیگر اقدامات دولت را در راه تشویق صادرات موضوع ماده (۲۶) قانون مقررات و صادرات و واردات (مصوب ۱۳۶۴/۶/۱۷) می‌باشد که براساس آن شرکتهای حمل و نقل دولتی و وابسته به دولت (اعم از زمینی و دریائی و هوائی) حمل کلیه کالاهای صادراتی کشور را در اولویت قرار داده و کرایه حمل را براساس تخفیف، متناسب با نوع کالا که کمتر از ۲۰ درصد و بیش از ۳۵ درصد تعرفه حمل و نقل نخواهد بود دریافت مینمایند.

— بازنگری و نتیجه:

با بازنگری به کل مطالب ارائه شده و

۱۳۶۲ براساس تصویب نامه شماره ۴۹۳ مورخ ۱۳۶۲/۲/۲۶ مبالغی در اختیار مرکز توسعه صادرات ایران قرار گرفت^۱. و همچنین هیئت وزیران در جلسه مورخه ۶۳/۶/۴ تصویب نمود که مبلغ یک میلیارد ریال به منظور پرداخت جایزه صدور در سال ۱۳۶۳ و تمهیدات مربوط به سالهای ۶۰ و ۶۱ و ۱۳۶۲ به صادرکنندگان، در اختیار مرکز توسعه صادرات قرار گیرد، که این مبلغ براساس تصویب نامه هیئت وزیران در جلسه ۱۳۶۳/۱۲/۲۵ به مبلغ ۴۰۰ میلیون ریال تقلیل یافت^۲. اعطای جایزه ریالی صدور کالا به روش فوق تا آذرماه ۱۳۶۳ ادامه داشت و از این تاریخ بموجب تصویب نامه شماره ۷۲۲۱۲ مورخه ۱۳۶۳/۹/۸ نظم جدیدی یافت و در این زمینه تسهیلات بیشتری در نظر گرفته شد^۳. به منظور ارائه یک نمای عمومی جوایز پرداختی به کالاهای مختلف در جدول (۳) ذکر گردیده است.

اعتبار ریالی جوایز صدور از محل فروش

۱- همان.

۲- موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، مجموعه قوانین و مقررات صادرات غیرنفتی کشور، پیشین، ص ۱۳۳.

۳- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، پیشین، ص ۱۲.

۴- موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، پیشین، ص ۴۵.

جدول (۳): میزان جواز صادراتی، پرداخت شده به کالاهای مورد نظر پس از پیروزی انقلاب اسلامی

ارقام: میلیون ریال

کالا	فروش	پسته	کشمش	برگه زردآلو	پودرهای شویننده	جمع
۱۳۶۱	۱۴۸/۲	-	۲۰۳ ^(۳۳)	-	۰	۳۵۱/۲
۱۳۶۲	۲۷۹	۷۲/۹	۳۰/۹	۲۹/۵	۵/۳	۴۱۷/۶
۱۳۶۳	۲۷۸/۸	۲۰/۹	۹/۳	۶۶/۹	۰	۳۷۵/۹
۱۳۶۴	۵۲	۱/۳	۱/۲	۵/۸	۰	۶۰/۳
جمع	۷۵۸	۹۵/۱	۲۲۴/۴	۱۰۲/۲	۵/۳	۱۲۰۵

مأخذ: مرکز توسعه صادرات ایران.

۵) علی رغم عدم منع قانونی در پرداخت جواز به سایر کالاهای مشابه در قوانین مقررات صادرات و واردات طی سالهای مربوطه و روند نزولی صادرات کالاهای مستثنای این گونه مزایا (از جمله خرما و برگه هلو و غیره) احتیاج مبرم به بازنگری در اعمال این قبیل سیاستها را هر چه بیشتر مورد تاکید قرار می دهد.

۵۵) رقم شامل جواز پرداختی به پسته و برگه زردآلو نیز هست.

(- آمار وجود ندارد.

۰) رقم صفر است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

علی رغم تلاش های فراوان ولیکن پراکنده ای که جهت توسعه صادرات توسط دولت انجام یافته می توان بجرأت ادعا نمود آنچنانکه باید و شاید به اهمیت صادرات و نقش آن در توسعه کشور پی برده نشده است. شاهد این مدعا میزان کمکهای دولت به ازای هر کیلو از صادرات است که با توجه به تنوع این مقوله که از سنگ های معدنی تا فرشهای نفیس را دربر می گیرد، بالاترین رقم طی دوره مورد مطالعه

(۱۳۵۲-۶۴) ۱۰ ریال به ازاء هر کیلو طی سال ۱۳۵۹ است (جدول ۴) که از متوسط سوبسید پرداختی به کالاهای مصرفی (قند و شکر و نان و روغن نباتی و غیره) بسیار پائین تر می باشد و با کمال تاسف این رقم نیز کاهش یافته و به حد نیم ریال به ازاء هر کیلو در سال ۱۳۶۴ محدود شده است. و شاید به نقش پراهمیت صادرات تنها در دوران جنگ نفتکش ها و محدودیت های ارزی دوران جنگ تحمیلی پی برده شد.

مشوقهای تامین واردات ممکن است موجب افزایش واردات و عدم استفاده و توجه کافی به تولیدات داخلی گردد.

جدول (۴): میزان کمکهای دولت به ازای هر واحد وزنی صادرات و سهم آن ارزش هر کلو از صادرات طی سالهای ۱۳۵۲-۶۴

موضوع	صادرات (۱)	کمکهای دولت (۲)	کمک دولت به ازای هر کیلو ریال / کیلو	ارزش واردات ریال / کیلو	نسبت کمکهای دولت در واحد وزنی صادرات ب.م.	سالها
						هزارتن
	۱۸۸۵	۲۱۳۷	۱/۱	۲۲/۷	۴/۹	۱۳۵۲
	۱۵۳۱	۱۸۳۱	۱/۲	۲۵/۶	۴/۷	۱۳۵۳
	۱۱۸۹	۲۳۳۰	۲/۰	۲۴/۳	۵/۸	۱۳۵۴
	۷۹۳	۱۶۶۹	۲/۱	۲۷/۹	۴/۴	۱۳۵۵
	۱۱۳۸	۲۶۰۲/۳	۲/۳	۳۸/۷	۵/۹	۱۳۵۶
	۱۳۳۶	۲۷۰۱/۷ *	۲/۰ *	۲۸/۶	۷/۰	۱۳۵۷
	۵۷۹	۱۵۱۵/۶	۲/۶	۹۸/۶	۲/۶	۱۳۵۸
	۱۲۹	۱۲۸۵/۷	۱۰	۳۵۶/۲	۲/۸	۱۳۵۹
	۱۵۴	۹۱۳/۷	۵/۹	۱۳۵/۵	۳/۴	۱۳۶۰
	۱۶۲	۸۴۰/۶	۵/۲	۱۲۷/۴	۳/۵	۱۳۶۱
	۲۳۱	۹۳۸/۵	۴/۱	۱۳۴/۳	۳/۱	۱۳۶۲
	۲۶۹	۸۳۱/۲	۳/۱	۱۲۲/۸	۲/۵	۱۳۶۳
	۵۲۶	۲۶۲/۶	۰/۵	۷۸/۳	۰/۶	۱۳۶۴
رشد متوسط دوره	-۱۰/۰۹	-۱۶/۱	-۴/۳	۱۰/۸۷	-۱۶/۱	
میانگین	۸۷۹	۱۵۲۸/۴	۳/۲	۱۰۰/۸	۳/۹	

ب.م: برآورد مولف

- (۵) رقم تخمینی است.
 (۱): مأخذ جدول (۲).
 (۲): مأخذ جدول (۱).

اما می‌بایست در نظر داشت که نیاز به توسعه صادرات غیرنفتی نه تنها از دیدگاه ارزآوری آن بلکه از نظر ایجاد اشتغال در داخل کشور از اولویت خاصی برخوردار است و شاید در این برهه از زمان از نظر وجه سیاسی اهمیت وجود نشان و علامت ساخت دولت جمهوری اسلامی ایران در جهان پهناور از اهمیت کمتری برخوردار نباشد. حال چنانچه این کالا بتواند یک فرآورده صنعتی و قابل رقابت در سطح بین‌المللی باشد از یکسومشت محکمی برده‌ها سلطه جویان شرق و غرب بوده و از دیگر سو پیغام پیروزی آرمانهای اسلام ناب محمدی (ص) را بگوش مستضعفین دنیا خواهد رسانید لیکن این حقیقت را باید پذیرفت که تنها رشد کمی صادرات هدف اساسی نمی‌تواند باشد چرا که وابستگی به واردات در حقیقت نوعی سلطه‌پذیری غیرعمد بیگانگان است ولیکن صادرات بدون برنامه‌ریزی (مخصوصاً موادخام) یک سلطه‌پذیری آشکار است و وابستگی به صادرات موادخام معدنی به اندازه همان وابستگی به واردات کالاهای اساسی خطرناک می‌باشد. لذا تنوع صادرات نه از دیدگاه اقتصادی بلکه به عنوان یک راه حل سیاسی می‌بایست مدنظر قرار گیرد.

به منظور ارائه یک تصویر روشن و مستدل نمودار (۱) که منتج از جدول (۵) می‌باشد ارائه شده است شایان ذکر است که بدلیل تفاوت فاحش ارقام و عدم توان نمایش تمامی منحنی‌ها در یک نمودار ناچار از تبدیل ارقام به شاخصی قابل ارائه یک نمودار

بودیم؛ مضاف بر اینکه تنها ارقام مربوط به سال ۱۳۵۲ کامل و از یک روند نسبتاً موزونی برخوردار بود که بدین دلیل سال مزبور سال پایه در نظر گرفته شد. در طول دوره مورد مطالعه (۱۳۵۲-۶۴) و علی‌الخصوص طی دوره پیش از پیروزی انقلاب اسلامی قانون و مقررات بخصوصی در راستای تشویق صادرات اتخاذ نگردید و همانطور که در قبل نیز اشاره شد تمامی تصمیمات مربوط به سالهای قبل از ۱۳۵۲ بود و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز تصمیم خاصی که امر صادرات را متحول سازد بچشم نمی‌خورد و حتی مواردی چون استرداد حق ثبت سفارش کالا منسوخ گردید و جوایز صادراتی نیز پس از اینکه سالهای ۱۳۵۸-۶۰ بدست فراموشی سپرده شد با ارقام درشتی از سال ۱۳۶۱ شروع و سریعاً افزایش و با همان سرعت نیز کاهش یافت و میزان اعتبارات اعطائی به بخش صادرات نیز بدلیل افزایش ناگهانی نرخ سود مورد انتظار (بهره) تا حدود دو برابر در سال ۱۳۶۳، دیگر مورد استقبال صادرکنندگان قرار نگرفت و آنهم کاهش یافت که آثار تمامی این تصمیمات در روند صادرات تا حد امکان بررسی خواهد شد.

همانطور که در نمودار (۱) مشاهده می‌گردد تمامی کمکها از یک روند ناموزون و حتی نامتناسب برخوردارند به عبارت دیگر قوانین و مقررات جهت تشویق صادرات بدون هیچگونه هماهنگی با هم اتخاذ شده و فراز و نشیب‌های شدید منحنی‌های نمودار

در سال ۱۳۶۴ تنها نیم ریال به ازاء هر کیلو صادرات سوسید پرداخت شده است.

به تولیدات داخلی گردد، از سوی دیگر این سیاستها بنوعی سوسید را بیشتر متوجه صنایعی می‌مازد که واردات سهم عمده‌ای در تولید آنها دارند و نهایتاً موجبات توسعه صنایع وابسته را فراهم می‌آورد.

از موارد دیگری که شاهد عینی عدم تأثیر مطلوب سیاستهای تشویق صادرات می‌باشد در روند منحنی ۴ (نمودار ۱) - جوایز صادراتی - بخوبی مشاهده می‌شود. پس از آنکه پرداخت جوایز طی سالهای ۱۳۵۸-۶۰ به‌بوتہ فراموشی سپرده شد، این پرداخت از سال ۱۳۶۱ و براساس مصوبات خرداد ۱۳۴۳ و شهریور ۱۳۶۳ با رقم عمده‌ای شروع شد، و شاخص آن از ۲۶۶ (با ۱۸/۸ درصد افزایش) به رقم ۳۱۶ در سال ۱۳۶۲ رشد یافت. در صورتی که میزان

بیانگر برخوردهای مقطعی با این مهم می‌باشد که بالطبع آثار چندان مطلوبی در رشد صادرات از خود بجای نگذاشته و عموماً از یک همبستگی بسیار ضعیفی نیز برخوردارند^۱

همانطوری که قبلاً نیز به تفصیل بیان شد باز پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی با استناد به مصوبات سالهای بسیار دور (۱۳۴۵) اجرا می‌گردد و در طول دوره مورد مطالعه (۱۳۵۲-۶۴) بدون تغییر اساسی همان روال عادی خود را سیر می‌کند ولیکن همبستگی نسبتاً بالای آن با میزان صادرات (۹۲٪ =) بیانگر نوعی ناسازگاری در امر سیاستهای تشویق صادرات است چرا که مشوقهای تامین واردات ممکن است موجب افزایش واردات و عدم استفاده و توجه کافی

۱- ضریب همبستگی باز پرداخت حقوق گمرکی و سود بازرگانی با میزان ضایعات در معادله

$$y = 60/446x \quad z = 0/92 \quad \text{است از عبارت}$$

ضریب همبستگی شاخص جمع کل کمکهای دولت به صادرات با شاخص میزان صادرات در معادله

$$y = 8/409 + 0/683x \quad z = 0/78 \quad \text{است از عبارت}$$

ضریب همبستگی شاخص جمع کل کمکهای دولت به صادرات با شاخص ارزش صادرات در معادله

$$y = 73/227 + 0/211x \quad z = 0/38 \quad \text{است از عبارت}$$

ضریب همبستگی شاخص مابه‌التفاوت بهره با شاخص میزان صادرات در معادله

$$y = 6/656 + 0/37x \quad z = 0/62 \quad \text{است از عبارت}$$

ضریب همبستگی شاخص ارزش صادرات با شاخص میزان صادرات در معادله

$$y = 78/856 + 0/234x \quad z = 0/37 \quad \text{است از عبارت}$$

برآورد مؤلف.

صادرات از رقم ۹ (با ۳۳/۴ درصد رشد) به ۱۲ و ارزش صادرات (با ۳۱/۵ درصد رشد) از ۵۴ به ۷۱ رسید. البته ممکن است این توهّم بوجود آید که برقراری جوایز صادراتی موجبات افزایش صادرات را فراهم آورد در صورتی که در سال ۱۳۶۳-۶۴ شاخص جوایز صادراتی به ۲۸۵ و آخر الامر به ۴۶ نزول کرده است ولیکن میزان و ارزش صادرات همچنان سیر صعودی خود را در پیش گرفته است که این امر در حقیقت بیانگر عدم همبستگی جوایز صادراتی و به عبارت دیگر قوانین و مقررات مطروحه در راستای توسعه صادرات می باشد.

از دیگر مواردی که همبستگی قابل طرحی از خود به نمایش می گذارد مابه التفاوت بهره با میزان صادرات می باشد (۲=۰/۶۲) که این همبستگی با میزان صادرات - نه با ارزش صادرات - در حقیقت بیانگر بکارگیری این گونه بهره ها (نرخ های ترجیحی) در راستای کالاهای پر حجم و کم ارزش از قبیل سنگهای معدنی - که از نظر اقتصادی چندان ارزشمند نیستند - می باشد؛ مضاف بر اینکه افزایش نرخ این گونه اعتبارات به میزان دو برابر (۸ درصد) که تا سال ۱۳۶۳ تنها ۴ درصد بوده موجب شد که دیگر چندان مورد استقبال صادرکنندگان قرار نگیرند که روند آن در منحنی (۲) نمودار (۱) قابل مشاهده می باشد.

در یک جمع بندی اجمالی همبستگی کل کمکهای دولت با میزان صادرات (۲=۰/۷۸) می تواند ناشی از همبستگی باز پرداخت حقوق گمرکی که به مضار آن نیز اشاره شد باشد ولیکن همبستگی ضعیف (۲=۰/۳۸) مابین کل کمکهای دولت با ارزش صادرات در حقیقت بیانگر عدم موفقیت تصمیمات متخذه در امر رشد صادرات می باشد زیرا درآمد واقعی و عملی (قابل تصرف) از صادرات می تواند ملاک عمل در توسعه و رشد صادرات باشد و چه بسا سیاستهایی که در یک روند ناهمگونه تنها آثار مثبت مشوقها را از بین ببرد بلکه آثار منفی نیز از خود بجای گذارد که بطور مثال از سال ۱۳۶۶ جوایز صادراتی از نظر ممیزین مالیاتی نوعی درآمد ویژه (سودخالص) برای صادرکنندگان محسوب شده و مقادیر عمده ای از آن به عنوان مالیات اخذ می گردد که در حقیقت نه تنها این سیاست در تعارض با بخشودگی مالیاتی اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ می باشد بلکه جوایزی را که دولت به صادرکننده پرداخت می نماید از او باز پس گرفته می شود.

کلام آخر آنکه در کل با توجه به بازار بین المللی و سوبسیدهای پرداختی توسط دولت آیا می توان به توسعه و رشد صادرات ایران امیدوار بود؟ به عبارت دیگر با توجه به عدم دسترسی ایران به بازارهای بین المللی با توجه به رقابتهای فشرده و ساختار بازارها آیا

با پرداخت ۴ درصد کمک به امر صادرات می‌توانیم رقبای بازار بین‌المللی را از میدان خارج کنیم؟ در صورتی که کشوری چون هندوستان با وجود دستیابی به بازارها و امکانات صنعتی نسبتاً قوی در داخل به طور متوسط به صادرات خود حدود ۱۱/۹ درصد^۲

سویسید پرداخت می‌کند. به عبارت ساده‌تر از نظر بازار بین‌الملل هندوستان کشوری است شناخته شده و سهمی در فروش کالا به او تعلق دارد ولیکن ما هنوز در آغاز راه هستیم.

جدول (۵): شاخص برآورد کمکهای دولت، ارزش و میزان صادرات به قیمت‌های جاری طی سالهای ۱۳۵۲-۶۴

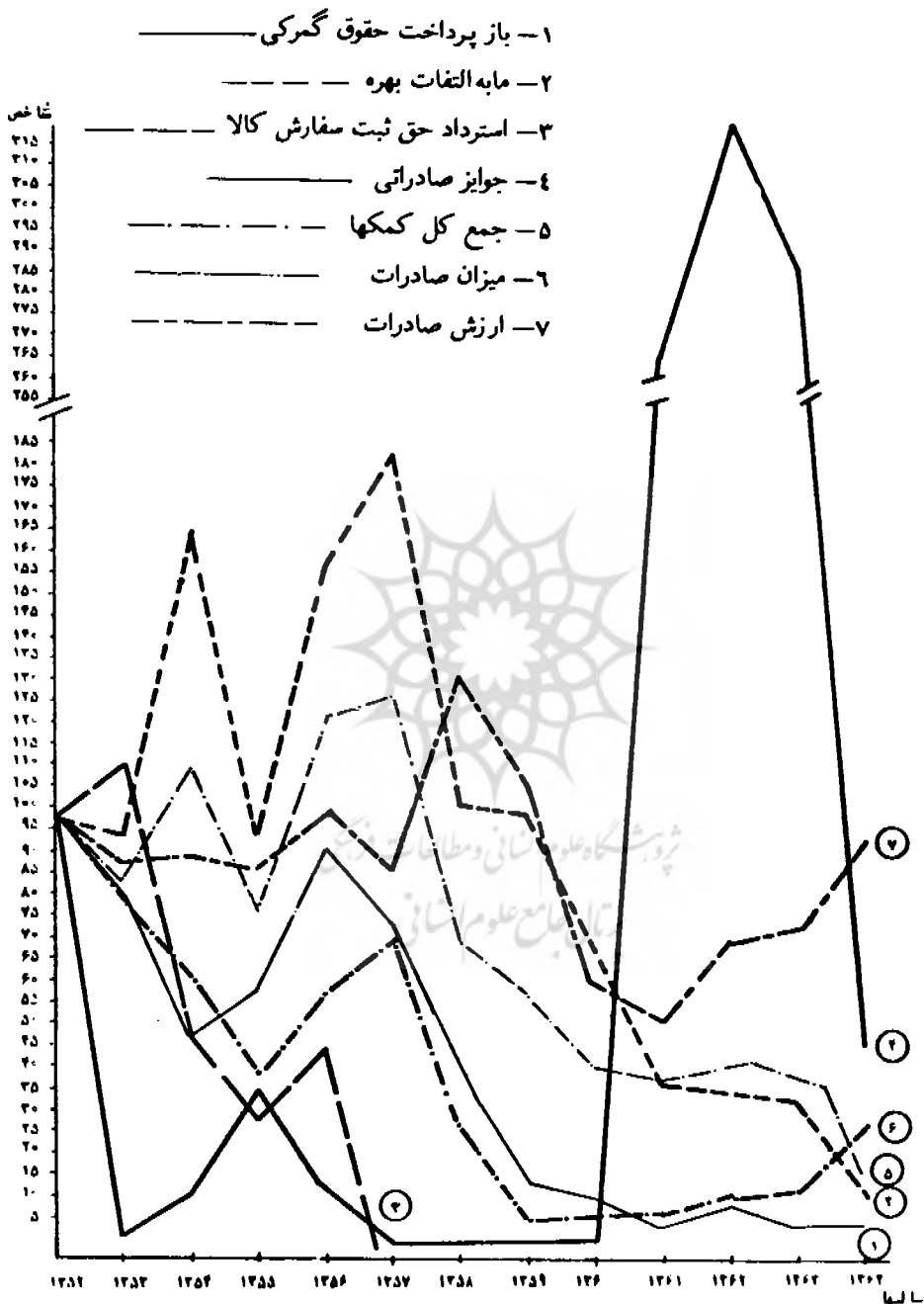
موضوع	سالها	بازپرداخت	استرداد حق	حقوق	حقوق	مابه‌التفاوت	جمع کل	میزان	ارزش
		گمرکی (۱)	شماره (۱)	گمرکی (۱)	گمرکی (۱)	به سربزه (۱)	(۱)	صادرات (۲)	صادرات (۱)
واحد	سالها	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد
	۱۳۵۲	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
	۱۳۵۳	۸۷	۱۱۲	۶	۹۶	۸۶	۸۱	۹۰	۸۱
	۱۳۵۴	۵۰	۵۰	۱۵	۱۶۴	۱۱۰	۶۳	۹۱	۶۳
	۱۳۵۵	۶۱	۳۳	۳۹	۹۶	۷۸	۴۲	۸۸	۴۲
	۱۳۵۶	۹۳	۴۷	۱۷	۱۵۶	۱۲۲	۶۰	۱۰۱	۶۰
	۱۳۵۷	۷۵	۰۰۰	۰۰۰	۱۸۱	۱۲۶	۷۱	۸۷	۷۱
	۱۳۵۸	۴۲	۰	۰	۱۰۲	۷۱	۳۱	۱۳۰	۳۱
	۱۳۵۹	۱۶	۰	۰	۱۰۰	۶۰	۷	۱۰۵	۷
	۱۳۶۰	۱۳	۰	۰	۷۰	۴۳	۸	۶۲	۸
	۱۳۶۱	۶	۰	۲۶۶	۳۸	۳۹	۹	۵۴	۹
	۱۳۶۲	۱۱	۰	۳۱۶	۳۷	۴۲	۱۲	۷۱	۱۲
	۱۳۶۳	۶	۰	۲۸۵	۳۵	۳۹	۱۴	۷۵	۱۴
	۱۳۶۴	۶	۰	۴۶	۱۳	۱۲	۲۸	۹۴	۲۸

۰۰۰ رقم در دسترس نیست. (۰) رقم صفر است. مأخذ: ۱- جدول (۱). ۲- جدول (۲).

۱- میانگین ستون آخر جدول (۱).

۲- موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ماهنامه بررسیهای بازرگانی، شماره ۸ (دی ماه ۱۳۶۷)،

نمودار (۱): شاخص کمکهای دولت، میزان و ارزش صادرات طی سالهای ۱۳۵۲-۶۴.



مأخذ: جدول (شماره ۵).

منابع و مأخذ:

الف: منابع داخلی:

- ۱- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سیاستهای تشویق صادرات غیرنفتی بعد از انقلاب، تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۵.
 - ۲- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه سالهای مختلف، تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سالهای مختلف.
 - ۳- دانشگاه علامه طباطبائی (گردآورنده)، اولین سمینار ضرورت صادرات غیرنفتی و راههای توسعه آن، ۲ جلد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۶۵.
 - ۴- رزاقی، ابراهیم، اقتصاد ایران، تهران: نشر نی، ۱۳۶۷.
 - ۵- مرکز توسعه صادرات ایران، بودجه پیشنهادی ۱۳۵۷، تهران: مرکز توسعه صادرات ایران، ۱۳۵۶.
 - ۶- مرکز توسعه صادرات ایران، خطوط کلی تدابیر صادراتی بلندمدت، تهران: مرکز توسعه صادرات ایران، بی تا.
 - ۷- مرکز توسعه صادرات ایران، سیاست بازرگانی و تشویق صادرات ایران، تهران، مرکز توسعه صادرات ایران، ۱۳۵۶.
 - ۸- مرکز توسعه صادرات ایران، نقش مرکز توسعه صادرات ایران در افزایش صادرات، تهران: مرکز توسعه صادرات ایران، ۱۳۶۳.
 - ۹- موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، بازار جهانی خشکبار با نگاهی به موقعیت ایران، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۶۵.
 - ۱۰- موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تصویر آماری بازرگانی خارجی ایران ۶۰-۱۳۵۱ <
- نگرشی به سیاستهای تشویقی... ۳۱

▷ شماره ۲، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۶۳.

۱۱- موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، مجموعه قوانین و مقررات صادرات غیرنفتی کشور، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۶۴.

۱۲- میرمحمدی، سیدمحمد، نقش بیمه‌های صادراتی و اهمیت آن در توسعه صادرات، تهران: واحد فوق برنامه بخش فرهنگ جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۵.

۱۳. نخست‌وزیری، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مجموعه لوایح قانونی مصوب شورای انقلاب، تهران: اداره کل تنقیح و تدوین قوانین، ۱۳۵۹.

۱۴- نسیمی پورآذر، فیروز، بررسی انواع سوبسیدها و جنبه‌های مختلف اقتصادی آنها، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، آذرماه ۱۳۶۹.

۱۵- وزارت برنامه و بودجه، گزارش اقتصادی سال ۱۳۶۵، تهران: وزارت برنامه و بودجه، ۱۳۶۵.

۱۶- هریسون، پل، فردای جهان سوم، ترجمه محمود طلوع، تهران: شرکت صادراتی صنایع ملی ایران، ۱۳۶۶.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

ب: منابع خارجی.

(1): Czizkota, Michael R., *Export Development, Strategies, US Promotion Policy*, New York: Prager. 1982.